

إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع)  
انتشارات انصار امام مهدي (ع)

حاكمية الله  
لا حاكمية الناس

حاكميت خدا  
نه حاكميت مردم!

السيد أحمد الحسن

دوزبانه (عربي-فارسي)

نام كتاب	حاكيت خدا، نه حاكيت مردم!
نويسنده	احمد الحسن (ع)
نوبت چاپ عربى	سوم
تاريخ انتشار	۱۴۳۱-۲۰۱۰ ق
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدى
ويراستار	(ع)
تاريخ انتشار ترجمه	الطاف دوست
كد كتاب	۱۳۹۷
ويرايش ترجمه	۲/۱۰۱
دو زبانه سازى	دوم
تاريخ دوزبانه سازى	امير فهيمى

لمعرفة المزيد حول دعوة السيد أحمد الحسن (ع)  
يمكنكم الدخول إلى الموقع التالي :  
[www.almahdyoon.org](http://www.almahdyoon.org)

جهت كسب اطالعات بیشتر در خصوص دعوت مبارك سيد احمد الحسن

(ع)

به تارنماهای زیر مراجعه نمایید.

[www.almahdyoon.co](http://www.almahdyoon.co)  
[www.almahdyoon.co/ir](http://www.almahdyoon.co/ir)

فهرست

الإهداء

المقدمة

پیشگفتار

ما هي الديمقراطية؟

دموکراسی چیست؟

تناقضات الديمقراطية

تناقضات دموکراسی

الدكتاتورية مستبنة في الديمقراطية

۱- دیکتاتوری در دل دموکراسی نهفته است

۲- أكبر بلد ديمقراطي في العالم يمارس الدكتاتورية:

۲- بزرگترین کشور دموکراتیک دنیا با دیکتاتوری اداره می شود

۳- الديمقراطية والمال:

۳- دموکراسی و ثروت

۴- الديمقراطية والحرية:

۴- دموکراسی و آزادی

۵- الديمقراطية والدين:

٥- دموكراسى و دين

٦- الديمقراطية من المهد إلى اللحد:

٦- دموكراسى از گهواره تا گور

الند الفكري للديمقراطية

همتاى فكرى دموكراسى

مذهب المصلح العالمى المنتظر

مذهب مصلح منتظر جهانى

قصة موسى مع قومه:

داستان موسى با قومش

المصلح المنتظر لماذا ؟

چرا مُصلح منتظر؟

1-الدين :

١- دين

٢- الدنيا :

٢- دنيا

1-القانون (الدستور العام وغيره):

١-قانون (قانون اساسى و قوانين ديگر):

2-الملك أو الحاكم:

2 - پادشاه يا حاكم:

## الإهداء

إلى خليفة الله

إلى الإمام محمد بن الحسن المهدي (ع)  
إلى المظلوم المهتضم المغصوب الحق

إلى أبي ونور عيني وروحي التي بين جنبي  
هذه كلمات أحاول أن أواسيك بها و أقاسمك آلامك  
فتقبلها مني بقبول حسن وإن لم أكن أهلاً لذلك

المذنب المقصر  
أحمد الحسن  
جمادي الأولى / ١٤٢٥ هـ

**تقديم به:**

جانشين خدا

به امام محمد بن الحسن المهدى (ع)

به آن مظلومی که حقش پایمال و غصب شد

به پدرم، به نور چشمم و به جانم که در وجودم است!

این ها کلماتی است که سعی دارم با آنها تو را دلداری دهم و در دردهایت شریک

باشم

پس این کلمات را به نیکی از من بپذیر؛ هرچند من شایسته آن نیستم!

گناه کارِ تقصیرکار

احمد الحسن

جمادی الاول ١٤٢٥ هـ ق [1]

## المقدمة پیشگفتار

هذه هي الأيام الأخيرة واللحظات الحاسمة وأيام الواقعة وهي خافضة رافعة، قوم  
أخذوا يتسافلون حتى استقر بعضهم في هوة الوادي، وقوم بدؤوا يرتقون حتى كأنهم

استقروا على قتل الجبال، وقوم سكارى حيارى لا إلى هؤلاء ولا إلى هؤلاء همج راع يميلون مع كل ناعق.

در این روزهای پایانی و لحظات سرنوشت‌ساز، روزهای واقعه -روزهایی سخت و پر فراز و نشیب- عده‌ای در حال سقوط به دره‌ای عمیق هستند تا در نهایت در آن استقرار یابند و عده‌ای شروع به اوج گرفتن نموده‌اند تا در نهایت بر قله‌های کوه‌ها مستقر شوند و عده‌ای دیگر مست و سرگردان، نه جزء این گروه و نه آن گروه، حزب باد که به هر طرف باد وزد به همان سو می‌روند.

وفي هذه اللحظات الحاسمة لحظات الامتحان الإلهي لأهل الأرض سقط معظم الذين كانوا يدعون أنهم إسلاميون أو يمثلون الإسلام بشكل أو بآخر، ومع الأسف فإن أول الساقطين في الهاوية هم العلماء غير العاملين؛ حيث أخذوا يرددون المقولة الشيطانية (حاکمية الناس) التي طالما ردها أعداء الأنبياء والمرسلين والأئمة، ولكن هذه المرّة جاء بها الشيطان الأكبر فراقهم زبرجها وحليت في أعينهم وسمّاها لهم (الديمقراطية) أو الحرية أو الانتخابات الحرّة أو أي مسمّى من هذه المسميات التي عجزوا عن ردّها، وأصابتهم في مقاتلهم فخضعوا لها واستسلموا لأهلها؛ وذلك لأنّ هؤلاء العلماء غير العاملين ومن اتبعهم ليسوا إلاّ قشور من الدين ولب فارغ فالدين لعق على ألسنتهم ليس إلاّ.

و در این لحظات حساس و سرنوشت‌ساز لحظات امتحان الهی اهل زمین- عده بسیاری که ادعای اسلام یا به هر شکلی ادعای نمایندگی اسلام را دارند سقوط می‌کنند و متأسفانه، نخستین گروهی که در قعر دوزخ سقوط می‌کنند عالمان بی‌عمل هستند؛ زیرا آن‌ها شروع به مطرح کردن مقوله شیطانی «حاکمیت مردم» نموده‌اند؛ همان طرز فکری که همواره دشمنان پیامبران، فرستادگان و ائمه (ع) مطرح می‌کرده‌اند، با این تفاوت که این بار شیطان بزرگ آن را آورد، برایشان آراست و در چشمانشان زیبا و دلنشین جلوه داد و برایشان چنین نامید: «دموکراسی» یا آزادی یا انتخابات آزاد یا هر اسمی از این قبیل؛ تا آنجا که آن‌ها از رد کردنش ناتوان شدند و در کشمکش‌هایشان آن‌ها را از پای درآورد؛ در نهایت، در برابر آن سر تعظیم فرود آوردند و تسلیم صاحبان این اندیشه شدند و این از آن رو بود که علمای بی‌عمل و پیروانشان چیزی جز پوسته‌ای از دین و هسته‌ای تو خالی نیستند و دین جز لقلقه‌ای بر زبان‌شان هیچ نیست!

وهكذا حمل هؤلاء العلماء غير العاملين حربة الشيطان الأكبر و غرسوها في قلب أمير المؤمنين علي (ع)، وفتحوا جرح الشورى والسقيفة القديم الذي نحى خليفة الله عن حقّه وأقر حاکمية الناس التي لا يقبلها الله سبحانه وتعالى ولا رسوله ولا الأئمة، وهكذا أقر هؤلاء العلماء غير العاملين تنحية الأنبياء والمرسلين والأئمة، وأقر هؤلاء الظلمة قتل الحسين بن علي (ع).

و این چنین این علمای بی عمل نیزه شیطان بزرگ را به دست گرفته، در قلب امیرالمؤمنین علی (ع) نشاندهند و زخم کهنه شورا و سقیفه را تازه کردند؛ زخمی که خلیفه خدا را از حقیقت دور و حاکمیت مردم را تثبیت نمود؛ حاکمیتی که نه مورد قبول خداوند بود و نه پیامبران و فرستادگان و نه ائمه؛ به این ترتیب، این علمای بی عمل به معزول داشتن و به کنار نهادن پیامبران، فرستادگان و ائمه اقرار کردند و این ستمگران این چنین پایه های قتل حسین بن علی (ع) را استوار نمودند.

والذي آلمني كثيراً هو أنني لا أجد أحداً يدافع عن حاكمية الله سبحانه وتعالى في أرضه، حتى الذين يقرّون هذه الحاكمية الحقّة تنازلوا عن الدفاع عنها؛ وذلك لأنهم وجدوا في الدفاع عنها وقوفاً عكس التيار الجارف الذي لا يرحم، والأُنكى والأعظم أنّ الكل يقرّ حاكمية الناس ويقبلها حتى أهل القرآن وللأسف الشديد، إلاّ القليل ممن وفي بعهد الله مع أنهم يقرّون فيه:

**(قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ) ([2]).**

آنچه مرا بسیار رنج می دهد، این است که کسی را نمی یابم که از حاکمیت خداوند سبحان و متعال در زمینش دفاع کند. حتی کسانی که به این حاکمیت حق معترف هستند دست از دفاع از آن برداشته اند؛ زیرا آن ها دفاع از این حاکمیت را ایستادگی در برابر جریان بنیان براندازی که هیچ رحم و شفقتی ندارد می بینند و بدتر و آزار دهنده تر این است که همه حتی اهل قرآن- با کمال تأسف به حاکمیت مردم معترف هستند و با وجود اینکه می خوانند:

(بگو: بار خدایا! تویی دارنده ملک و پادشاهی، به هر که خواهی ملک می دهی). ([3]) آن

را پذیرفته اند؛ مگر اندک کسانی که به عهد خدا وفادار مانده اند.

وهكذا نقض هؤلاء العلماء غير العاملين المرتكز الأساسي في الدين الإلهي وهو حاكمية الله وخلافة ولي الله سبحانه وتعالى، فلم يبق لأهل البيت خلفاء الله في أرضه وبقيتهم الإمام المهدي (ع) وجود بحسب الانتخابات أو الديمقراطية التي سار في ركبها هؤلاء العلماء غير العاملين، بل نقض هؤلاء العلماء غير العاملين القرآن الكريم جملة وتفصيلاً، فالله سبحانه في القرآن يقول (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) ([4]).

و این چنین علمای بی عمل محور اصلی در دین خدا را که همان حاکمیت خدا و خلافت و جانشینی ولی خداوند سبحان و متعال است- ویران کردند و در نتیجه، برای خلفای خدا در زمینش یعنی اهل بیت (ع) و بازمانده آنان امام مهدی (ع)- با انتخابات و دموکراسی که علمای بی عمل به سویش رهسپار شدند، دیگر اثری باقی نماند؛ حتی این عالمان بی عمل به طور کلی و جزئی- با



قرآن کریم نیز به مقابله برخاستند؛ درحالی که خداوند سبحان در قرآن می‌فرماید: (من در زمین جانشینی می‌گمارم). [5]

وَأَنْزَلَ الدِّسْتُورَ وَالْقَانُونَ فِي الْقُرْآنِ، وَهُؤُلَاءِ يَقُولُونَ إِنَّ الْحَاكِمَ أَوْ الْخَلِيفَةَ يَعْينُهُ النَّاسُ بِالْإِنْتِخَابَاتِ، وَالِدِّسْتُورَ يَضَعُهُ النَّاسُ! وَهَكَذَا عَارِضُ هؤُلَاءِ الْعُلَمَاءِ غَيْرِ الْعَامِلِينَ دِينَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى بَلْ عَارِضُوا اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَوَقَفُوا إِلَى صِفِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ لَعْنَهُ اللَّهُ.

دستور و قانون را در قرآن نازل فرمود؛ حال آنکه اینان می‌گویند حاکم یا جانشین را مردم با انتخابات و قانونی که خود وضع کرده‌اند، تعیین می‌کنند! و این چنین علمای بی‌عمل با دین خدا و حتی با خود خداوند سبحان به دشمنی برخاسته، در صف شیطان رانده شده (که خدا لعنتش کند) قرار گرفتند.

وَلِذَا ارْتَأَيْتَ أَنْ أَكْتُبَ هَذِهِ الْكَلِمَاتَ لَكَ لَا تَبْقَى حِجَّةٌ لِمُحْتَجٍّ وَلَيْسَ فَرُّ الصَّبْحِ لَذِي عَيْنَيْنِ مَعَ أَنَّ الْحَقَّ بَيِّنٌ لَا لِبَسَ فِيهِ، وَأَرْجُو مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى أَنْ يَجْعَلَ هَذِهِ الْكَلِمَاتَ حِجَّةً مِنْ حُجَّجِهِ فِي عَرَصَاتِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَلَى هؤُلَاءِ الْعُلَمَاءِ غَيْرِ الْعَامِلِينَ وَمُقَلِّدِيهِمْ وَمَنْ سَارَ فِي رُكْبِهِمْ وَحَارِبَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى وَحَارِبَ آلَ مُحَمَّدٍ وَأَقْرَبَ (بِاتِّبَاعِهِمْ) الْجَبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَتَنْحِيَةِ الْوَصِيِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) وَالْأُمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ.

به همین دلیل، لازم دانستم این کلمات را به نگارش درآورم تا برای کسی حجتی باقی نماند و صبح برای کسی که دو چشم دارد، رخ بنمایاند، با وجود اینکه حق روشن است و به هیچ وجه پوشیده نیست. از خداوند سبحان و متعال مسئلت دارم این کلمات را حجتی از حجت‌های خودش در روز قیامت قرار دهد؛ حجتی علیه علمای بی‌عمل و مقلدانشان و کسانی که پیرو آنها هستند و با خدا و آل محمد (ع) دشمنی می‌کنند و با این پیروی کردن خود به جبت و طاغوت و غصب خلافت علی بن ابی‌طالب و ائمه از فرزندان او (ع) اقرار می‌نمایند!

والحمد لله رب العالمين (وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ  
بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ) [6].

و سپاس و ستایش تنها از آن خداوند آن پروردگار جهانیان است: (کسی که روی خود را  
تسلیم خدا کند در حالی که نیکوکار باشد، به دستگیره محکمی چنگ زده [و به تکیه‌گاه مطمئنی  
تکیه کرده است]؛ و عاقبت همه کارها به سوی خداست). [7]

1- تیرماه سال 1383 هـ. ش. (مترجم)

[2] - آل عمران : 26.

[3] - آل عمران: 26.

[4] - البقرة : 30.

[5] - بقره: 30.

[6] - لقمان : 22.

[7] - لقمان: 22.